

اشاره

در روزهای نخست اردیبهشت سال ۱۳۸۷ ملک عبدالله پادشاه عربستان با ارسال پیامی به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از ایشان دعوت کرد در اجلاسی که قرار است در روزهای دهم تا دوازدهم خرداد ماه تحت عنوان «المؤتمر الاسلامی العالمی للحوار» (اجلاس بین‌المللی گفت‌وگوی اسلامی) در مکه مکرمه برگزار شود شرکت کنند. این دعوت، ابتدا به دلیل ملاحظات سیاسی آن روزها، مورد قبول آیت‌الله هاشمی رفسنجانی قرار نگرفت. پادشاه عربستان، دعوت را تکرار کرد و با دادن توضیحاتی درباره ابعاد و اهداف اجلاس اصرار کرد که آقای هاشمی رفسنجانی در این اجلاس شرکت کنند. این اصرار موجب شد بر سر سیهایی صورت بگیرد و مشورت‌هایی هم به عمل آید تا تصمیم درستی گرفته شود. بر سر سیهانشان دادند حضور شخصیت شناخته شده و تأثیرگذاری همچون آیت‌الله هاشمی رفسنجانی که در میان علمای شیعه به دلیل برخورداری از همه جنبه‌های لازم از قبیل علمی، فکری، مبارزاتی، سیاسی، مدیریتی و بین‌المللی چهره‌ای منحصر به فرد است می‌تواند اجلاس را به معنای واقعی کلمه به سوی گفت‌وگوی مذاهب اسلامی سوق دهد. برای دولت عربستان و شخص ملک عبدالله نیز حضور آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، با ویژگیهایی که دارد، اهمیت زیادی داشت. زیرا اجلاسی که تحت عنوان گفت‌وگوی اسلامی آن هم با وصف بین‌المللی در جوار خانه خدا برگزار می‌شود، فقط با حضور و سخنرانی چنین شخصیتی می‌تواند جدی تلقی شود. در این اجلاس، علمایی از شیعیان ایران، لبنان، عراق و شرق عربستان نیز شرکت داشتند، اما آنچه می‌توانست وزن اجلاس را تا حد مطلوب بالا ببرد، حضور آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بود. این، نظری بود که خود علمای شیعه شرکت‌کننده در اجلاس نیز ابراز کردند. این سومین و مفیدترین سفر آیت‌الله رفسنجانی به عربستان در سالهای بعد از پایان مسئولیت ریاست جمهوری بود.



پرتال جامع علوم انسانی
به جای سرمقاله

سرزمین بطحا و سرآغازی دیگر

سرزمین بطحا افتخار آن را دارد که زیباترین کودک عرب در دامان او تربیت شده است. این کودک که همان اعراب به او لقب «امین» داده بودند، چهل سال در میان آنان که به جز

شیر و شتر و جنگ و گریز و گناه به چیز دیگری نمی‌اندیشیدند، زندگی کرد. زندگی آنان در آن بیابانهای گرم و تفتیده به همین منوال سپری می‌شد و این زیبا کودک عرب، که در میان آنان چون نگینی ارغوانی بود روزها را یکی پس از دیگری سپری می‌کرد و همه او را به امانت، راستگویی و مهربانی می‌شناختند. او صبر و شکیبایی، حلم و علم را در میان یاران و خویشان خویش پیشه خود ساخته بود و با جسم ظاهری همراز و همنشین آن اعراب بادیه‌نشین بود، گرچه روح و جان او خلقی دیگر داشت و مصداق اکمل حقیقت محمدیه بود. به هر حال، چهل سال سپری شد، و زان پس، بزرگی و آقایی خود را که همان رسالت نبوی است، در کوهی از همان سرزمین گرم و سوزان «جرا» با پیامی از سوی خداوند علیم «بخوان ای محمد، به نام پروردگارت که آفریده است»، به گوش ساکنان سرزمین بطحا رساند. او با ردای «ولایت» و با آموزه‌های «خاتمیت» ندا و صلا در داد که ای بطحانشینان، وقت سرآغاز دیگری است. او با این پیام، جمع پریشان آنان را صفای دیگری بخشید که تا آن روز، سرزمین بطحا چنین پیامی نشنیده بود.

هزار و چهار صدسال و اندی از آن ندای صمیمی و برادری و برابری و همدلی و همراهی می‌گذرد و گویی آن جمع، پریشان شده و آن همدلیها رنگ باخته است. اینک پس از آن سالها، پیروان همان محمد امین و دانایان امت او، با نشستی در سرزمین بطحا به پیروی از آن پیام آور امین، سرآغاز دیگری را آغاز می‌نمایند و منشور همدلی و همراهی را دوباره بازخوانی می‌کنند.

آری، عالمان و نخبگان این امت بزرگ محمدی از گوشه و کنار سرزمینهای اسلامی، در بطحا گرد آمدند تا منشور اتحاد اسلامی را که در روزگار نخستین، رسول امین با وحی نگاشته بود، امروز در لوح همدلی، دوباره بنگارند.

البته پس از او امت اسلام راه اختلاف در پیش گرفتند و اختلاف در جان و فکر آنان لانه کرد و در هر سرزمینی که با پیام آن پیام آور الاهی، به نام سرزمین مسلمانان خوانده می‌شد، فتنه‌ای به پا خواست. از اهالی این سرزمینها، ساکنان بطحا که افتخار همزادی با رسول الله - که درود خدا بر او باد - را داشتند، بیشترین جفا را به این خاندان کردند. اما در این میان، ساکنان سرزمین افتخارآفرین ایران، به گونه‌ای دیگر عمل کردند، با اینکه نه اهل بطحا بودند و نه از خوشامدگویان رسول خدا در مدینه النبی.



حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی که خود از دانایان ایران زمین است و در میان جامعه روحانیان جایگاه ویژه‌ای دارد و از مبارزان و یاران صدیق طراز اول حضرت امام خمینی، بنیانگذار فقید انقلاب اسلامی است و در دید جهانی نیز از احترام ویژه‌ای برخوردار است، این بار پیام پیامبر الاهی را از سرزمین ایران به سرزمین بطحا برد. هاشمی این بار نیز پرچم اتحاد مسلمانان را بر دوش گرفت و از همان جایی که رسول خدا ندای اتحاد مسلمانان را داده بود، ندای اتحاد در داد و با سخنان مختصر و گویای خود، اصول و منشور اتحاد را به گوش جهانیان رساند. فصلنامه میثاق‌امین که همان دغدغه‌ها را دارد، در این شماره به جای آغازین سخن خود، سخنرانی ایشان را در کنار کعبه، که معبد و قبله‌گاه همه مسلمانان شمرده می‌شود، منتشر می‌کند. باشد که چراغ راه آینده مسلمانان و حتی آن دسته از انسانهایی شود که آرزومندند همه انسانها در صلح و صفا و امنیت زندگی کنند.

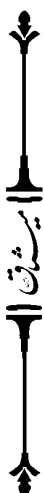
* * *

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله و السلام على رسول الله و آله و اصحابه الكرام. «فبشر عباد الذين يستمعون القول فيتبعون احسنه»^۱.

از بزرگواری خادم الحرمین الشریفین به خاطر برگزاری برنامه خوب کنگره جهانی گفت‌وگوی اسلامی تشکر می‌کنم. موضوعی که امت اسلامی در این شرایط به آن نیاز دارند، مخصوصاً اینکه این کنگره در مهبط وحی برگزار می‌شود. نکته جالبی که به ذهن من تداعی کرد این است که در چند قدمی کوه صفا آنجا که پیامبر اکرم پس از مکلف شدن به علنی نمودن دعوت، ایستادند و با کلمه «یا صباحاً» بشریت را مورد خطاب خود قرار دادند و به مسیر تاریخ هشدار دادند. امروز برادران ما در مملکت عربستان سعودی در کنار بیت الله الحرام و چند قدمی همان کوه صفا، فضای جدیدی برای دنیا و پیامی بزرگی برای تمام عالم در نظر گرفته‌اند. امیدوارم که با برکت بیت الله و پیروی از فرامین قرآن بتوانیم پیامان را از این مرکز به گوش جهان برسانیم. زحمت زیادی کشیده شده، علمای بزرگی از بلاد آمده‌اند و خبرهایی در دنیا پخش شده و گوشه‌هایی مستمع شنیدن پیام این اجلاس هستند. حیف است که ما با کلمات تشریفاتی از این

۱. زمر، آیه ۱۷ - ۱۸.



اجتماع بزرگ به آسانی عبور کنیم. من از نکات خوبی که در بیانات خادم الحرمین وجود داشت استفاده کردم و از سخنان قیّم علامه آل شیخ بهره بردم. بنده هم نکاتی را در نظر دارم که با شما بزرگواران و از طریق شما با امت اسلامی و با همه ادیان آسمانی، مطرح می‌کنم.

من چهارده محور را به طور اختصار در صحبت کوتاهم عرض می‌کنم. برای نشان دادن هدف این مؤتمر شاید آن طوری که من می‌فهمم کارگشا باشد. امیدوارم که این پیام مؤتمر تأثیر خودش را در عالم امروز بگذارد. البته این اجلاس می‌تواند مقدمه‌ای برای گفت‌وگوی ادیان و مکاتب بشری باشد، ولی در عین مقدمه بودن، خودش هم اصالت دارد. چون ما قبل از اینکه به دنیا برسیم و با ادیان دیگر حرف بزنیم، با خودمان باید حرف بزنیم و روی یک مسیر مشخص اسلامی تفاهم کنیم و با وحدت نظر نماینده اسلام در گفت‌وگوی با ادیان و تمدن‌ها باشیم. شما می‌دانید که همه تمدن‌ها ریشه در ادیان آسمانی دارند و در حقیقت ادیان آسمانی قلب و مادر همه تمدن‌هاست. ما اگر امروز از موضع دین اسلام آن هم در مکه مکرمه به دنیا پیام می‌دهیم، صحبت قلب و مادر به فرزندان خودش است. امیدواریم گوش شنوای زیادی داشته باشد.

آیه‌ای که در اول صحبت‌م خواندم یکی از ویژگی‌های بندگان خوب را این می‌داند که حاضرند به حرف دیگران گوش بدهند و منصفانه قضاوت کنند و بهترینش را انتخاب کنند. ما این را فقط برای خودمان نمی‌گوییم، این یک پیام برای همه مردم است. هر انسان عالم و آگاهی اگر گوش خودش و قلب خودش را بر روی حقایق ببندد، اشتباه می‌کند. تعصب از نشانه‌های جهل است و باز بودن و شنیدن حرف درست، از نشانه‌های حکمت و عقل است. افراط و تفریط انسان را به جهالت می‌رساند، ولی اعتدال انسان را در مسیری قرار می‌دهد که حاضر است به اطراف خودش نگاه کند و اقتباس کند. اول ما به دنیای خودمان، یعنی به امت اسلامی می‌پردازیم. امت اسلامی امروز دچار مشکلات واقعی است و حقیقتاً وظیفه شما علمای اسلامی بسیار سنگین است. «کنتم خیر امة اخرجت للناس»^۱ مفهومش این است که «تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر»^۲ و منکر را محدود به تخلف از ظواهر شرع نکنید. منکر گاهی

۱. آل عمران، آیه ۱۱۰.

۲. همان.

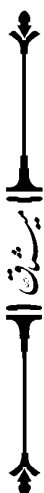
ظاهر زیبایی دارد، اما در باطن بسیار کثیف و نادرست است. علمایی که آگاه هستند باید بشریت را آگاه بکنند و شما باید امت اسلامی را آگاه بکنید.

کسانی که در جهالت هستند، آنها را راهنمایی کنید. جهان اسلام به خاطر اختلافاتی که در بین ما هست، تضعیف شده است. خودمان، خودمان را تضعیف و انرژی هایمان را در درگیری با یکدیگر مصرف می‌کنیم که بدترین اسراف و بدترین نوع استفاده از نعمتهای الهی است. ما باید برای تقویت دنیای اسلام دست هماهنگی و دوستی به هم بدهیم. بهانه‌گیری نکنیم، همدیگر را تضعیف و بدنام نکنیم. اگر عیبی می‌بینیم با مذاکره آن عیب را بر طرف کنیم و اگر بد می‌بینیم، بپذیریم که ما اشتباه کرده‌ایم. ما از این اجلاس انتظار یک «میثاق» برای گفت‌وگو و برای تعامل و برای بهره‌گیری از نظریات صائب در دنیا و برای انتقال نظریات اسلام به دنیا داریم. مبانی میثاقمان را از قرآن گرفته‌ایم. اصل اولیه‌اش مشورت است، و قرآن مسلمانان را به خاطر اینکه اهل مشورت هستند، ستایش می‌کند و «امرهم شوری بینهم»^۱ را از پیامبر(ص) و آن حضرت سخنان خدا را مستقیماً از وحی می‌گرفت و جبرئیل دائماً پیام خدا را برای او می‌آورد، می‌خواست که با دیگران مشورت کند. «و شاورهم فی الأمر»^۲ ما اصل مشورت را باید مبنای این میثاق و اجلاسمان قرار بدهیم و اصل دیگری که باید در نظر بگیریم انصاف در قضاوت و پذیرش حق است. خودداری از تعصب جاهلی است. تعصب اگر به معنای پایبندی به اصول و عقاید است، این مذموم نیست، بلکه ممدوح هم هست. تعصب این است که انسان اجازه ندهد عقلش قضاوت بکند و گوشش برای استماع آماده باشد. اعلام پیام این اجلاس می‌تواند اگر درست تبیین بشود خیلی‌ها را امیدوار کند و ان شاء الله این کار را خواهد کرد.

قدم بعدی ما باید این باشد که به طور یکپارچه و نه با اختلاف به نمایندگی از اسلام با ادیان دیگر، با تمدنهای برخاسته از ادیان دیگر به گفت‌وگو بنشینیم و با آنها به تفاهم برسیم. مگر ما از زبان قرآن نمی‌شنیدیم که پیامبر اکرم(ص) به دستور خداوند از اهل کتاب زمان خودشان دعوت می‌کنند که بیایید به جای دعوا روی مشترکاتمان تکیه کنیم. ما قبل از اینکه

۱. شورا، آیه ۳۸.

۲. آل عمران، آیه ۱۵۹.



دیگران را دعوت کنیم، باید خودمان به این پیام پاسخ بدهیم.

مشترکات مذاهب اسلامی برای شما کارشناسان و علما روشن است. بیش از ۹۵ درصد احکام اسلامی، مشترک بین ماست. عقاید ما یکی است. توحیدمان، رسالتمان، معادمان که اصول اسلامی مان هست، و فروع مهمی مثل عدالت و انصاف و حق‌پذیری و امثال اینها همه مورد وثاق ماست. پس این دعوت را اول متوجه خودمان بکنیم که همه مذاهب روی نقاط مشترکشان تکیه کنند.

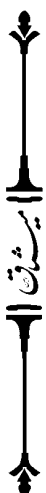
من به عنوان یک مسلمان، یک شیعه و یک اسلام‌شناس که عمرم را صرف کرده‌ام و صاحب تجربه در میدان عمل شده‌ام، تجربه کرده‌ام، عرض می‌کنم که ما مشترکاتمان اینقدر زیاد است که نیازی به پرداختن به نقاط افتراق نداریم. من نمی‌گویم دیگران نظرشان را مطرح نکنند، عرض می‌کنم نزاع نکنند. همان نص قرآنی که به ما می‌گوید: «و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم»^۱ این بدترین ثمره تنازع است. ما اگر از امر و نهی قرآن، تکلیف به وظیفه نفهمیم، از کجا می‌توانیم بفهمیم؟ تنازع حرام، گناه و مضر است، و یا اینکه مذاکره و استدلال مستحب و لازم است. اختلاف ذاتاً مضر نیست. آنچه مضر است تفرقه و تنازع است. اختلاف نظر، نعمت است و رشد، کمال و پیشرفت می‌آورد، اگر در فضای دوستانه و عاقلانه و حکیمانه مطرح شود. آقایان علمای اسلام، ما باید بپذیریم که دنیای اسلام امروز دچار مشکلات واقعی است. خداوند سرمایه بزرگی به ما داده، ولی حفاظت از آن ضعیف است. خداوند به مسلمانها بر اثر رشد طبیعی اسلام در تاریخ، با معنویت و اعجاز قرآن، یک چهارم جمعیت دنیا را داده است، و این تعداد جمعیت دنیا، خیلی مهم است. کشورهای اسلامی ۵۷ رأی در سازمانهای بین‌المللی دارند، بیش از یک چهارم. ما می‌توانیم با پیدا کردن چند همراه در سازمانهای بین‌المللی تصمیم گیرنده باشیم، یعنی اسلام می‌تواند، ما که چیزی نیستیم. اسلام می‌تواند.

بیست درصد ثروت جهانی که در اختیار کشورهای مسلمان است و بهترین نقاط سوق الجیشی دنیا، تنگه‌ها و آبراهها و بهترین جغرافیای روی کره زمین در قلمرو مسلمانهاست. بازار عظیم، تولید عظیم؛ امروز بحمدالله دانشگاههای کشورهای اسلامی دارد رشد می‌کند.

۱. انفال، آیه ۴۶.

تشویق منابع انسانی در دنیای اسلام به خاطر قرآن به علم و تعلم باید سرآمد باشد. دنیای غرب از شما آموخته است. تمدن اسلامی از محیط ما به غرب رفته است و آنها امروز به صورت دیگری آن را عرضه می‌کنند. این مکتب و این انسانها و این مکتب خوب و بی‌نظیر و ابدی و این سرمایه‌های مادی و همه منابع طبیعی خوب دنیا در کشورهای ما وجود دارد. این مجموعه چرا باید در دنیا در مقابل استکبار و انحصار طلبها تسلیم باشد. ما نمی‌خواهیم زورگویی کنیم، اما حق این امت را ما نمی‌توانیم به آسانی به دیگران واگذار کنیم. علمای اسلام مکلف هستند که از حقوق اسلامی مسلمانها دفاع کنند.

شما خوب می‌دانید که امروز مشکلاتی که در کشورهای اسلامی هست، در درجه اول به خاطر جهل و عقب‌افتادگی و افراط و تفریطها به خودشان مربوط است. و همانها سبب شده است که انحصار طلبان جهانی و استکبار جهانی طمع کنند در موجودیت ما و بر منابع ما فشار بیاورند و منابع ما را غارت کنند. صهیونیسم به عنوان یک عامل بسیار خطرناک در اختیار کفر جهانی است، در مقابل کشورهای اسلامی. این سرمایه عظیم را باید قدر بدانیم. شما می‌دانید ما در ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون ۲۱ کنگره وحدت و دهها سمینار و همایش برای گفت‌وگو با دیگران گذاشته‌ایم. سالانه چند اجلاس داریم. جنایاتی که امروز در غزه اتفاق می‌افتد و ملت مظلومی را محاصره کرده‌اند. روز به روز وضع برای مردم در غزه بدتر می‌شود. عراق اشغال شده است. اشغال شدن عراق خطر برای بقیه کشورهای از ناحیه اشغالگران به وجود آمده است. شما در جریان هستید که آمریکاییها درصدد هستند قرارداد امنیتی دراز مدت با عراقیها ببندند. این قرارداد عبودیت کامل عراق در مقابل آمریکاییهاست. این شاء الله این کار نخواهد شد. من امیدوارم مجاهدان عراق، مردم عراق اجازه نخواهند داد این قرارداد تحمیل شود. مواد مخدر بالای بزرگ دنیای ماست. امراض خطرناکی مثل ایدز و چیزهای دیگر دارد کشورها و جوانان اسلامی را با خودش می‌برد. فرهنگ مبتذل غرب جوانان ما را در معرض خطر واقعی قرار داده است و اخلاق اسلامی را تحت فشار قرار داده. رسالت جهانی اسلامی، شمار بزرگان و دولتهای اسلامی نمی‌تواند در مقابل این مسائل بی‌تفاوت باشد، و ما به خاطر همین مسائل و به خاطر خدمت کردن به بشریت که پیام قرآن و اسلام است این اجلاس بزرگ را تشکیل داده‌ایم و برای گفت‌وگو با دردمندان جهان، اعلام آمادگی می‌کنیم. برای اینکه راه حلی برای همین مشکلات به دست بیاوریم و برای علاج این همه دردها با هم همکاری می‌کنیم، تا بشریت



از این منجلابی که به وجود آورده‌اند نجات پیدا کند. ثبات و امنیت پیش شرط همه کارهاست. بنده به عنوان یک مدیر اجرایی و یک طلبه و یک اسلام شناس عرض می‌کنم که امروز خطر بزرگ در دنیای ما برای مسلمانها، عدم ثبات و عدم امنیت است. در منطقه‌ای که صدها هزار اخلا لگر نظامی با ادوات جنگی شان حضور تهدید کننده دارند، نمی‌شود احساس امنیت درازمدت کرد. امنیت مقدمه همه پیشرفتهاست. ما باید برای ثبات امنیت جهان، به خصوص کشورهای عقب افتاده دل بسوزانیم به عنوان اسلام آنچه در شرق و جنوب سودان می‌گذرد، آنچه در افغانستان و خیلی جاهای دیگر می‌گذرد، اینها مسائلی است که به ما مسئولیت واگذار می‌کند. برادرم، جناب ملک عبدالله که این اقدام معنادار را انجام داده‌اند، من در مذاکراتی که با ایشان داشتم، دیدم خوب دردها و مشکلات جهان اسلام را می‌دانند و ما هم به خوبی می‌دانیم. امیدواریم که همه نیروها را به جای درگیری و اختلاف برای اصلاح جهان اسلام هماهنگ کنیم. رسالت اسلام جنگ نیست، هر جا جنگی پیش آمده دیگران بر پیامبر (ص) تحمیل کرده‌اند. وقتی که آنها مانع حرف حق شدند درگیری پیش آمده است، والا منطق اسلام و قرآن نیازی به نزاع ندارد. کسی که پیام خداوند قادر مطلق جهان را برای مردم می‌خواند، او اهل نزاع نمی‌تواند باشد. اهل صلح و صفاست. «و این جنحوا للسلام فأجبح لها»^۱ والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.^۲

فصلنامه میثاق امین نیز همان دغدغه‌ها را دارد که حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی که به حق یکی از باتجربه‌ترین و عالم‌ترین و داناترین کارگزار جمهوری اسلامی و از ارکان آن است، در سخنان خود در جمع عالمان اسلامی مطرح کرده است. در واقع هدف و شا کله اصلی میثاق امین، تبیین سخنان حضرت ایشان در سطح وسیعی است که انتظار دارد اصحاب قلم ما را در این امر یاری فرمایند.^۳

۱. انفال، آیه ۶۱.

۲. برگرفته از روزنامه جمهوری اسلامی، چهارشنبه، پنجم تیرماه ۱۳۸۷، شماره ۸۳، ص ۱۴. (با مختصر ویرایش صوری)

۳. فصلنامه در صدد است گفت‌وگویی با حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در این خصوص ترتیب دهد. امیدواریم با توجه به موقعیت و ممتازیت جناب ایشان در نظام جمهوری اسلامی و نیز فرصت محدودشان، این خواسته جامه عمل بپوشد.